

حمایت انگلیس ها از رژیم خاندانی نادرشاه در سرکوبی قیام اقوام پکتیا (۳)

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

(پیوسته به گذشته)

از یک سو حمله دولت به فرزندان ببرک خان خدران، و از سوی دیگر اعزام قوای بیشتر به خوست و اقدامات ظالمانه حکومت، مردم خدران را که قبلاً کاسه صبر و بردباری شان لبریز شده بود، مجبور به قیام عمومی ساخت. بدین ترتیب بعد از وزیری ها قوم بزرگ و مسلح خدران نیز در صف مخالفان رژیم خاندانی قرار گرفت.

گرفتن فتوای جنگ از علمای دینی

به اساس اسناد خانواده ببرکزی، پس از آنکه قوای نظامی به رهبری لوامشر جعفر خان بر خانه هایشان حمله کرد، زمرک خان و شیر محمد خان ببرکزی از علمای دینی و لسانی "سپیره" خدران در مورد مقابله با مهاجمان خواهان فتوی و جواز شرعی شد. علمای دینی مقابله و دفاع از حریم شان را جایز دانسته و فتوا دادند که از سر و مال و ناموس خود دفاع کرده میتوانند. (غروال، محمد عارف. د غازیانو او اتلانو یاد، صفحه ۲۳۳). زمرک خان ببرکزی رهبر قوم خدران مجبور شد تا رهبری قیام کنندگان توانای مسلح را به عهده بگیرد و سایر اقوام همسایه مانند منگل، تتی و صافی نیز از او حمایت کردند. تعداد همه این جنگجویان به ده هزار (۱۰،۰۰۰) نفر می رسید و در جنگ های اولیه تلفات سنگینی به سربازان دولتی وارد کردند. (راپور ایجنت استخبارات شوروی از کابل، ۲۶ فبروری سال ۱۹۴۴، نبرد افغانی ستالین به حواله تیخانف - ترجمه آریانفر).

شکست اقدامات نظامی سردار داؤد خان

همانطور که شاه محمود خان پیش بینی کرده بود، اقدامات اردوی منظم علیه خدرانی ها و اقوام حامی آنها نه تنها باعث افزایش خصومت پشتون ها شد، بلکه پالیسی اعلام شده جدید خدمت عسکری، تذکره و ثبت نفوس در کشور را نیز با شکست مواجه ساخت. علاوه بر این، آنها خواهان تغیر خرید اجباری غلجات و کاهش مالیات شدند. اقوام شینوار، صافی، خوگیانی و تتی نیز نمایندگان خود را به اقوام مجاور فرستادند و خواستار اقدامات مشترک علیه حکومت خاندانی شدند. شاه محمود خان برای جلوگیری از اتحاد آنها به ولایت مشرقی دستور بازداشت این نمایندگان را صادر کرد، اما چون این اقدام خشم بیشتر اقوام پشتون را برانگیخت، ناچار این زندانیان را آزاد کرد.

شاه محمود خان که صلاحیت برگزاری جرگه با سران اقوام را نداشت، بصورت عاجل به هاشم خان صدراعظم اطلاع داد که پیروزی از نظر نظامی امکان ندارد، زیرا هم از نظر تعداد جنگجویان و هم از نظر تعداد تفنگ، پشتون ها در سمت جنوبی بر عساکر دولتی برتری دارند.

هاشم خان در اوایل ماه مارچ به شاه محمود خان دستور داد تا برای مقابله با تهدید گسترده قیام زمرک خان، راه مذاکره با سران اقوام را به پیش گیرد. هاشم خان پذیرفت که انحصار دولتی در تجارت چوب را حذف کند، خرید گندم به قیمت بازار آزاد را اجازه داد و مشارکت آنها در خدمت عسکری را کاهش داد.

دادن باج و رشوت به سران قومی توسط حکومت خاندانی

هاشم خان به مقصد دادن رشوه و باج به سران اقوام، چند میلیون افغانی را نیز از کابل به شاه محمود خان فرستاد. شاه محمودخان به کمک این پول و تضمین دولت مبنی بر عدم مداخله در امور آنها و کاهش مالیات کوچی ها در بهار سال ۱۹۴۴ موفق شد تا از قیام عمومی اقوام سرحد جلوگیری کند.

شاه محمود خان وزیر حربیه یک هیئتی از نمایندگان خود را نیز به سران خدران فرستاد. این هیئت قول داد که همه جنگجویان را بخشیده و حکومت خسارات ناشی از تعرض سربازان دولتی را می پردازد. به زمرک خان نیز قول داده شد که مانند سابق رهبر خدران باقی خواهد ماند، اما او اسلحه اش را به زمین نگذاشت و اعلام کرد که «دولت کنونی اصلاً قابل اعتماد نیست، بنابراین وعده هایش برای فریب دادن مردم بوده، فایده نداشته، قابل قبول نیست. این حکومت خیانت کارانیست که هیچ حیثیت، شرف و وجدانی ندارند». (همانجا، راپور مامور استخبارات شوروی در کابل، تاریخ ۲۶ فبروری ۱۹۴۴، صفحه ۲۵۰).

شاه محمود خان پس از دریافت این پاسخ، روز بعد به سربازان دستور داد که به کوه "المره"، مرکز نیروهای اصلی خُدران حمله و آن را تصرف کنند، صبح جنگ شدیدی بین دو طرف آغاز شد، لشکر منگلی ها هم به کمک زمرد خان رسیده و با هم نیروهای دولتی را شکست دادند.

خبر این موفقیت به سرعت در میان اقوام ساکن هر دو طرف خط دیورند پخش شد. سلیمان خیل ها نیز حمایت خود را از زمرد خان اعلام کردند. وزیري ها به شمول مداخليل های وزيرستان شمالی هم به زمرد خان پیوستند و به همین ترتیب اقوام ساکن مناطق "تنی" و "درگی" هم به او پیوستند. تعداد تمام لشکر قیام کنندگان از (۱۸۰۰۰۰) یکصد و هشتاد هزار جنگجو فراتر رفت. وزیري ها و مسعود سرحد آزاد نیز جرگه ای را در وزیرستان برای کمک به خُدران ها برگزار کردند، اما تهدید فوری به بمباران وزیرستان توسط دولت بریتانیا مانع این کار شد.

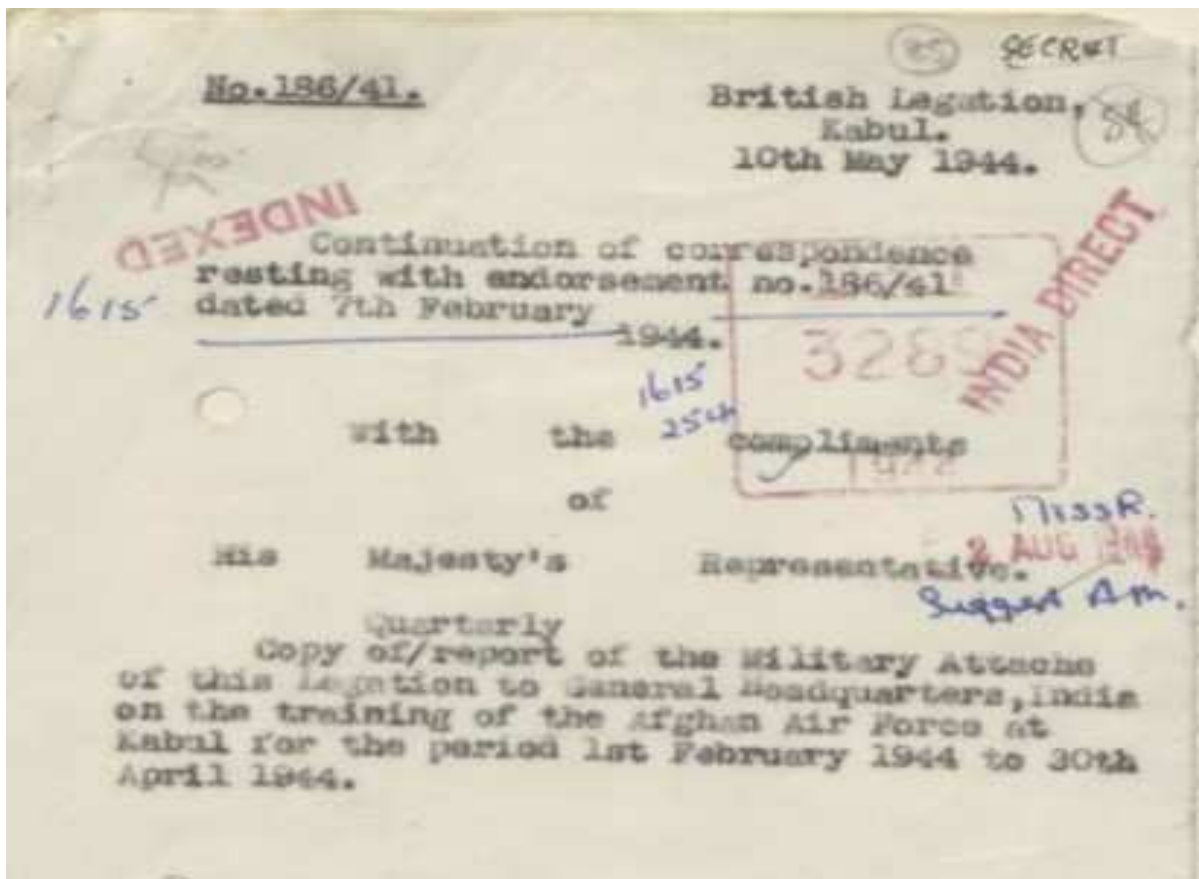
اوضاع در داخل افغانستان روز به روز وخیم تر می شد و خطر یک قیام عمومی علیه حکومت خاندانی یحیی خیل روز به روز بیشتر می شد. ساکنان تاجیک گردیز نیز به زمرد خان پیوستند. در همین حال در ماه های اپریل و می به رهبری غلام محمد خان و با حمایت افریدی ها و شینواری ها یک لشکرده هزار (۱۰۰۰۰) نفری امنیست ها نیز تشکیل شد که بزودی شکست خورد و پیروان غازی امان الله خان نیز به زمرد خان پیوستند. (همانجا، راپور ماه می ۱۹۴۴ مامور استخبارات شوروی از کابل، صفحه ۲۶۲).

سیاست استفاده از زور و زر حکومت خاندانی

هاشم خان که از گسترش بحران سیاسی داخلی بسیار نگران بود، فوراً دستور داد تا دو لشکر و دوازده طیاره جنگی از گردیز به خوست بفرستند. در کابل احساس می شد که این نیروها برای سرکوب قیام کافی نخواهند بود، از این رو یک سفر بری عمومی در کشور اعلام شد.

با توجه به سابقه حملات اقوام پشتون به پایتخت، هاشم خان دستور استقرار واحدهای تازه آرایش یافته در سنگر های پیرامون شهر کابل را صادر کرد. همچنین به شاه محمود خان دستور داد تا فوراً به نیروهای زمرد خان حمله کند. درین راستا شاه محمود خان نیروهای قابل توجهی را در ارگون، گردیز و خوست برای حمله به خُدران گرد آورد. در اپریل ۱۹۴۴ نیروی هوایی سلطنتی بمباران روستاهای خُدران را آغاز کرد.

آتش نظامی سفارت بریتانیا در کابل در گزارش ربع دهم ماه می ۱۹۴۴ (فیروری تا اپریل) در مورد نیروی هوایی افغانستان نوشته است که «از زمان نگارش گزارش ضمیمه شده، نیروی هوایی افغانستان در ولایت جنوبی بوده علیه مزرک خان شورشی [زمرد خان خُدران-زمانی] مورد استفاده قرار گرفته است.



Since the attached Report was written some of the Afghan Air Force has been used for operations in the Southern Province against Mazrak, the rebel Zadran.

در صفحه دیگری از همین گزارش آمده است که «پنج هواپیمای نوع هند [هاوکر] و یک مکتب آموزش پرواز به تاریخ ۶ ماه جنوری [به دلیل زمستان] کابل را به مقصد جلال آباد ترک کردند... از جلال آباد، هواپیما های نوع هند دو پرواز هفته وار اطلاعاتی اکتشافی بر فراز ولسوالی خوست انجام داده اند. احتمالاً هدف این پرواز ها پی بردن به تحرکات غیر عادی قبایل مربوط به زمرد خان جدران رهبر قبیله مخالف و یادآوری به قبایل بوده است که حکومت اوضاع را زیر نظر دارد.

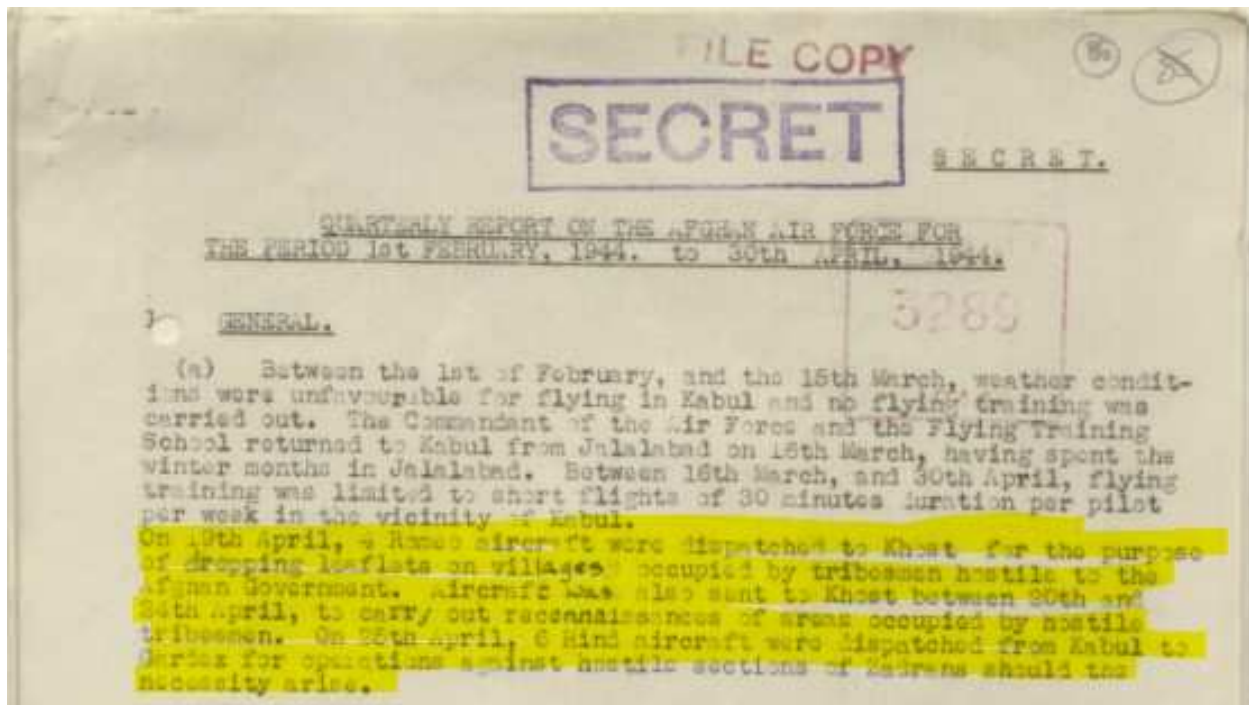
SECRET

Half Yearly Report on the Afghan Air Force
for the period 1st November 1944 to 30th April 1945.

General:

1. (a) The Afghan Air Force has been inactive during the winter months owing to the absence of the Commandant P.M. Maud Ihsan Khan who was in India for medical treatment from November until March, and weather conditions which made the Sherpur and Khwaja Rawash airfields unfit for use from early January until the end of March. Very little flying training was carried out in Kabul between 1st November and the early part of January, none between 6th January and 15th April, and only two short training flights of 30 minutes duration per pilot between the 15th and 30th of April. Five Hind aircraft and the Flying Training School left Kabul for Jalalabad on 6th January, and all the aircraft except one which force landed near Hazar-i-Sharif on 6th April had returned to Kabul by 8th April. While at Jalalabad the Hind aircraft carried out fortnightly reconnaissances over the Khost district presumably with the object of ascertaining whether there were any unusual movements of tribesmen connected with the hostile tribal leader Mazrak Zadran, and to remind the tribesmen that the Govt were watching the situation. No air operations were carried out during the period under report.

بتاریخ ۱۹ اپریل، چهار جنگنده نوع رومیو به خوست فرستاده شدند تا اعلامیه های هشدار دهنده را در روستاهای محل زندگی مخالفان پخش کنند. طی روزهای ۲۰ و ۲۴ اپریل هم طیاره های ارتش افغانستان بر فراز روستاهای مخالفین پروازهای اکتشافی انجام دادند و به تاریخ ۲۵ اپریل هم شش فروند هواپیمای نوع هند از کابل به گردیز اعزام شدند تا در صورت لزوم مواضع دشمن را مورد حمله قرار دهند».



به رویت اسناد آرشیف انگلستان در اوایل ماه می ۱۹۴۴ یک لوی دیگر پیاده از گارنیزون کابل به گردیز ارسال شد که بدین ترتیب از ماه فیبروری سال ۱۹۴۴ شمار لوی های فرستاده شده از کابل به سمت جنوبی به سه لوی میرسد. در همین سند علاوه شده است که لوی شماره یک فرقه شماره سه قوای مرکز کابل تحت قوماندۀ لوی مشر عبدالعزیز خان درین هفته کابل را به قصد گردیز ترک نمود. دوصد عراده موتر برای انتقال این لوی تعیین شده بود. برای هر پنجاه موتر، یک لاری تانکر پترول و برای هر ۲۰ تا ۲۵ موتر لاری یک میخانیک با وسایل ترمیم کوچک اختصاص داده شده بود. به لوی شماره دوم فرقه شماره سه قوای مرکز کابل تحت قوماندۀ لوی مشر عبدالکریم خان امر شده است تا آماده حرکت باشد.

به تاریخ دوم ماه می پنجاه عراده لاری بار با مواد غذایی و مهمات نظامی با محافظین کابل را به قصد گردیز ترک نموده است. فرقه ریشخور به یک کمپ تقویتی و مرکز مؤقت فرستادن قوا، ذخایر و غیره از کابل به گردیز تبدیل شده است. (آرشیف انگلستان، خلاصه اطلاعاتی شماره ۱۸، مؤرخ ۶ می سال ۱۹۴۴ از سفارت انگلستان در کابل).

شاه محمود خان برای شروع عملیات نظامی عجله نداشت، زیرا در جنگ های اولیه با خدران روشن شد که سربازان افغان نمی خواهند با هموطنان خود بجنگند. همچنین این خطر وجود داشت که قبایل وزیرستان نیز به زمرک خان ببیوندند. از این رو دولت افغانستان جنرال پیر محمد خان را با پول بسیار به وزیرستان فرستاد تا حمایت سران اقوام وزیر را بدست آورد.

پیرمحمدخان در اولین گام در بدل دریافت رشوه یک میلیون افغانی از یکی از رهبران منتفذ وزیرستان به نام زنگی خان خواهان کمک شد تا او را متقاعد کند که زمرک خان رهبر خدران را از منطقه خود بیرون کند. اما زنگی خان با افتخار پاسخ داد که «به خاطر پول نمی خواهد به حیثیت و عزتش لطمه بزند و مرتکب خیانت و توهین شود». (همانجا، راپور ۲۲ ماه جون ۱۹۴۴ مامور استخبارات شوروی از کابل، صفحه ۲۸۱).

پس از آن پیر محمد خان به او پیشنهاد دو میلیون افغانی را داد، اما او همچنان پاسخ منفی داد. حکومت افغانستان هرگز برای خاموش ساختن هیچ قیامی به این مقدار پول را پیشنهاد نکرده بود.

فراخواندن عساکر احتیاط

گفته میشود که وزارت حربیه یک تعداد از افراد ترخیص شده چهار سال اخیر را فراخوانده است. یکتعداد آنها از کوهدامن و سمت شمال به کابل رسیده اند. به اساس گزارش موجود در آرشیف انگلستان ادعا شده است که حکومت به عساکر

احتیاطی از کوه‌دامن اطمینان نداشته و آنها را به پوسته‌ها و ولسوالی‌های دوردست تعیین کرده است. (آرشیف انگستان، خلاصه اطلاعاتی شماره ۱۸، مؤرخ ۶ می سال ۱۹۴۴ از سفارت انگلستان در کابل).

تحت فشار قرار دادن فقیر ایپی توسط حکومت خاندانی

این اولین باری بود که سیاست حکومت خاندانی با چنین انزجار و نفرت عمومی مواجه شده بود. روحانیون و سران قبایل که در گذشته روابط دوستانه با حکومت داشتند از کمک به سرکوبی ولایات جنوبی و مشرقی خودداری نمودند.

وزارت امور خارجه نیز نماینده خود را برای گفتگو با فقیر ایپی به وزیرستان شمالی فرستاد. او از فقیر ایپی خواست که پسران زمرک خان را به گروگان بگیرد. واضح است که نماینده کابل آماده بود تا برای این خدمت پاداش هنگفتی بدهد، اما فقیر ایپی از گروگان گرفتن پسران زعیم خدران خودداری کرد. (آرشیف اداره استخبارات خارجی شوروی، دوسیة شماره ۳۱۲۵۲، ص ۶۵، به حواله تیخانف، نبرد افغانی ستالین - ترجمه آریانفر).

راپور هاشم خان از اوضاع خوست به سفیر انگلیس

هاشم خان صدراعظم به تاریخ ۶ ماه می ۱۹۴۴ راپور اوضاع خوست را به سفیر انگلیس داده و میگوید که «زمرک خان و پیروانش در منطقه "سور کوپ" و دریای "سپلگین" بوده و لشکرش شامل پنجصد تا یک هزار نفر خدران و یکصد وزیر میباشد. بعد از تاریخ ۲۲ اپریل در "المره" که قوای حکومت یکصد تن خدران را به قتل رساند و ده نفر خودشان کشته شد، کدام تصادم بزرگی رخ نداده است. او از وضعیت اوضاع اقوام در سمت جنوبی راضی به نظر میرسید، چون وزیر حربیه توانسته بود حمایت آنها به شمول بعضی از بخش‌های خدران را بدست آورد. ملیشهای قومی به همکاری قوای منظم نظامی به مقابل قوای زمرک خان در حال پیشرفت است. او فکر میکرد که در دو یا سه روز تماس با قومیان زمرک خان حاصل و خود زمرک خان مجبور خواهد شد که یا تسلیم شود و یا سرحد افغانستان و هند را عبور کند». (آرشیف انگستان، خلاصه اطلاعاتی شماره ۱۸، مؤرخ ۶ می سال ۱۹۴۴ کرنیل لانکستر آتشفه نظامی سفارت انگلستان در کابل).

تقاضای کمک حکومت خاندانی از انگلیس‌ها

هاشم خان از دولت هند بریتانوی خواست تا از پیوستن قبایل وزیرستان به قیام کنندگان سمت جنوبی افغانستان جلوگیری کند و از آنها خواست تا با وارد کردن فشار بر اقوام وزیرستان از کمک آنها به زمرک خان ممانعت کند. سفارت انگلیس در کابل به نمایندگی از حکومت خود به هاشم خان قول داد که قبایل سرحد آزاد به خدران‌ها کمک نخواهند کرد.

انگلیس‌ها چون می‌خواستند حکومت هوادار انگلیس هاشم خان را بر سر اقتدار نگهدارند، به این قول خود جامه عمل پوشاندند. در ماه جولای سکوتیر، سفیر انگلستان در کابل، در دیداری با باکولین سفیر شوروی وضعیت ناشی از قیام زمرک خان در اطراف سرحد هند بریتانوی با افغانستان را بصورت دقیق توضیح داد که «حالا در بین اقوام دو چهره دیده میشود، زمرک خان در افغانستان و فقیر ایپی در هند بریتانوی. زمرک خان علیه حکومت افغانستان مبارزه میکند و فقیر ایپی علیه حکومت انگلیس می‌رزد. فقیر و زمرک می‌توانند در مبارزه علیه حکومت افغانستان همدست شوند و آن گاه است که قبایل نیرومند تر از سپاهیان دولتی خواهند گردید. زور قبایل به همه روشن است. نادر شاه با همین زور بچه سقاء را بر انداخت. این که امان الله خان نتوانست بر تخت بماند، دلیل آن تنها این بود که قبایل در برابر او دست به شورش زده بودند. [در رابطه با اظهارات فوق سفیر انگلیس باید گفت که در توانمندی اقوام هر دو طرف سرحد آزاد تردیدی وجود ندارد، اما سفیر انگلیس از دسایس و توطئه‌های کشورش چیزی نگفته و خاموش مانده است - زمانی]. برای نجات حکومت طرفدار انگلیس هاشم خان، فرماندار ایالت سرحدی شمال غربی هند، از سران قبایل وزیرستان خواست تا به شهر "بنو" بیایند و با تهدید و تطمیع آنها را مجبور ساخت تا عدم مداخله قبایل خود را در رخدادهای افغانستان تضمین کنند. مگر، با این هم، وزیری‌ها هر چه بود، به خانواده‌های جدرانی‌ها در منطقه خود پناه دادند. (یادداشت صورت مجلس دیدار باکولین- سفیر شوروی در کابل با اسکوائر- سفیر انگلیس، تاریخی 1944/7/27 // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 071، 1944، پرونده ویژه 26، کارتن 206، پوشه 5، برگ ۴۷، به حواله تیخانف، نبرد افغانی ستالین - ترجمه آریانفر).

رفتن زمرک خان به وزیرستان

اگر از یک سو حکومت خاندانی به کمک انگلیس‌ها مانع پیوستن قبایل سرحد آزاد به قیام کنندگان شد، از سوی دیگر به عده از سران اقوام به قصد اختلاف و تفرقه پول پرداخت و سعی نمود عده ازین سران برجسته قوم خدران را خریداری

کند. در این جمله میرو خان و محمد سرور بودند که با بسیج کردن یک هزار (۱۰۰۰) جنگجو به نیروهای زمرد خان حمله کردند. به هر صورت این طرح متمر ثمر واقع شد و زمرد خان که خواهان جنگ و برادرکشی میان مردم خود نبود، به وزیرستان رفت.

پس از رفتن زمرد خان، خُدران ها هیئتی را برای آشتی با حکومت به خوست فرستادند. اما حکومت عهدشکنی کرد و همه آنها را دستگیر کرد و با دستگیری بسیاری از هواداران زمرد خان ببرکزی، فشار اجتماعی بیشتری بر آنها وارد کرد.

موج قیام جدید خُدران های خشمگین

در ماه جون ۱۹۴۴ حکومت اعلام کرد که در سرکوب و شکست قیام خُدران موفق بوده است. اما با وجود آن وضعیت در مناطق نزدیک سرحد وزیرستان همچنان ناآرام و بحرانی بود و مردم خشمگین تصمیم گرفتند قیام جدیدی را آغاز کنند.

پس از این تصمیم قوم خُدران ، در همان ماه حکومت وقتی مجدداً برای کشتن زمرد خان، رهبر خُدرانی ها، اقدام کرد، که وی با احتیاط حاضر شد در کوه های "المره" با شاه محمود خان ملاقات کند. هنگامی که زمرد خان با رزمندگانش برای گفتگو با شاه محمود خان به محل تعیین شده رفتند، سربازان افغان به دستور وزیر حربیه به سوی آنها شروع به تیراندازی کردند، اما درین جنگ پیروزی نصیب خُدرانی ها شد. آنها با اینکه تلفات سنگینی را متحمل شدند، (۵۰۰) پنجصد میل تفنگ و سه قبضه ماشیندار را به غنیمت گرفتند. سپه سالار شاه محمود خان با این رفتار خود اوضاع منطقه را پیچیده تر کرد. روحانیون افغانستان که از اقدامات وحشیانه حکومت به خشم آمده بودند، آشکارا از پذیرفتن «هدایای» شاه و صدور فتوا علیه به اصطلاح شورشیان خودداری کردند. . (یادداشت صورت مجلس دیدار باکولین- سفیر شوروی در کابل با اسکوایر- سفیر انگلیس، تاریخی 1944/7/27 // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند 071، 1944، پرونده ویژه 26، کارتن 206، پوشه 5، برگ ۴۷، به حواله تیخانف، نبرد افغانی ستالین - ترجمه آریانفر).

(ادامه دارد)